

# چین: ۱۰ سال پس از مائو



برای مدت کوتاهی در معه ۱۹۵۰ بنظر می رسید که چین وارد یک دوره ثبات و رشد مستمر شده است. ولی در اواخر

دنگ زیاوتینگ

**\* چینی ها از جزم اندیشی  
ایدئولوژیک به مصلحت گرایی  
انتقافی، از رژیم تحرک شدید  
قدرت به استفاده همراهِ با نوعی  
لیبرالیسم و از یک اقتصاد کنترل  
شده به هوسالیسم مبتنی بر  
بازار چرخیده اند.**

**\* نقطه عطف در  
اتخاذ یک مسیر جدید به  
سمت اصلاح و انعطاف  
نظام سیاسی و اقتصادی  
چین در پایان سال ۱۹۷۸  
پدیدار شد.**

این دهه مائو با پیگیری اجرای تصور خود از یک جامعه  
برابری طلب، سیاست های رادیکال را مورد تأکید قرار داد و  
انقلاب بدون وقفه را خواستار گردید. در اواخر سالهای  
دهه ۱۹۵۰ دهش بزرگ به جلو میزد به یک بحران  
اقتصادی مصیبت بار گردید و انقلاب فرهنگی در سالهای  
آخر دهه ۱۹۶۰ موجب بروز وقعه ای بزرگ در سیستم  
سیاسی کشور شد. بهیچ و سده و سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ نیز در  
بعضی حالت، جزئی بوده است.

ده سال از مرگ مائو به مائو برگ سبزی شده و طرف این  
مدت چین اصلاحات تازه ای را آغاز نموده است که دنگ  
زیائوتینگ آنرا انقلاب جدید نامیده است و بنا به اظهار  
نخست وزیر زائو زیانگه نشانگر یک دورگونی وسیع و  
عمیق و دامنه دار ساخت اقتصادی کشور است. با یک  
تغییر ۱۸۰ درجه ای از سیاست های سالهای آخر زندگی مائو،  
چینی ها از جزم اندیشی ایدئولوژیک به مصلحت گرایی  
انتقافی، از رژیم تحرک شدید قدرت و استفاده به امیدهای  
همراه با نوعی لیبرالیسم و از یک اقتصاد کنترل شده به  
هوسالیسم مبتنی بر بازار و از اتزواگرایی مبتنی بر خود  
کفایی سوسی و ادیسیک مقابل بین المللی چرخیده اند. این  
روندها نشان دهنده مرحله جدید و مهمی در راهیابی طولانی  
چین به سوی نوسازی میباشند. موعود اصلی و مرکزی این  
برام تاریخی که از اواسط قرن نوزدهم در چین در حال انجام  
است صنعتی و ثروت و قدرته و یافتن نفسی مورد احترام  
در جهان امروزی بوده است. چینی ها کارآ را یک مرحله تازه  
را با انتظارات بزرگ آغاز کرده، ولی عموماً ناموفق بوده اند.  
سقوط سلسله مانچو در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰ هجری قمری) منجر  
به ایجاد یک جمهوری گردید ولی بزودی چین به  
سرزمین تیره شده ای تحت سیطره جنگ ایران، تبدیل شد.  
در سالهای دهه ۱۹۲۰ رژیم کومین تانگ روند  
یکپارچگی ملی را آغاز کرد و حدود ده سال با موفقیت  
پیشرفت، ولی سپس در مواجهه با تهاجم ژاپن و انقلاب  
کومونیستی، ملی گرایان شکست خوردند. در زمان جنگ  
داخلی پس از جنگ جهانی دوم چین با دیگر تجزیه گردید.

پیروزی حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹، سرافصل  
بزرگی بود. رژیم جدید به سرعت یک دولت مرکزی موزن که  
برای تعیینین باز مملکت را در قرن بیستم متحد ساخت  
بوجود آورد. رهبران جدید چین طرف چند سال با طرف قرار  
دادن مسکو و نیز استفاده از تجربه سی ساله انقلابی  
خوشان یک سیستم بسیار نوسازنده توانمند را ساختند و  
یک اقتصاد متمرکز و برنامه ریزی شده را بوجود آوردند.  
این رهبران قدرت یکن را بنوعی بی سابقه ای تا اضماع  
تقریب گسترش داده و منابع کشور را با کفایت بسیار زیاد در  
آز هر حکومت قبلی، تجزیه نمودند و بلند پروازانه ترین  
برنامه صنعتی گریز تاریخ چین را آغاز کردند و ادعای چین  
مبنی بر کسب موفقیت یک قدرت بزرگ جهانی را بنصه  
ظهور در آوردند.  
پیشرفتها و دست آوردهای زیاد تحت رهبری مائو از  
جنبه های سیاسی و خراسا در سالهای دهه ۱۹۵۰، چالب  
تایم بوده است. معجزه در دهه آخر حیات مائو، کومونیست  
ها هم در بسیاری زمینه های اساسی ناموفق ماندند. رهبری  
چین که بجز تعداد بسیار فزاینده نیروی رزرو گشت و  
انقلاب فرهنگی بار دیگر چین را بر سر حد تجزیه سوقی داد.

سال ۱۹۷۶، سال اوج دوره مائو، مشحون از بلاها و  
مصیبت های متوالی بود. چو آنروزها در محیط مشابه  
روزهای آخر سلسله پادشاهی سنتی چین بود. در اوایل این  
سال چوئن لای نخست وزیر چین درگذشت و معاون اول  
و ده دنگ زیا تینگ برای بار دوم مورد تصفیه قرار  
گرفت. (وی اولین دفعه در زمان انقلاب فرهنگی تصفیه شده  
بود) و شخص تقریباً گمنامی موسوم به هوا کوانگنگ بعنوان  
جانشین احتمالی مائو سر بر آورد.

در اواسط سال، چین شاهد یکی از شدیدترین زلزله های  
تاریخ خود بود که بنظر بعضی سنت گرایان، به این معنی بود  
که رهبری چین  
بهرموت آسمانی خود را از دست داده است. سپس روز ۹  
سپتامبر مائو درگذشت. در کمتر از یک ماه رهبران رادیکال  
گروه سلطنتی که پیش از همه در سالهای آخر با مائو معشور  
بودند بزداشت شدند و هوا کوانگنگ رئیس حزب شد. مرگ  
مائو پایان یک عصر بود و آنچه روشن نبود این بود که در  
دوره ای که در پیش بود چه کسی چین را رهبری خواهد کرد  
تا دهه ۱۹۷۷.

چوئن هوا کوانگنگ یک دوره قدرت کوتاه بود. از آنجا  
که پایگاه قدرت او ضعیف بود، مشورت وی اساساً مبتنی  
بر روابط با شخص خاص بود و تصحیح نداشت که وی به  
بسیاری از اصول مائوئیسم از جمله مبارزه طبقاتی مستم،  
و وفادار ماند.

در سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۸ هوا کوانگنگ به چند رقم محدود  
مدت بود ولی این کارها بیشتر جنبه مسکن داشت تا اساسی.  
این اعمال باعث رهایی خاطر بسیاری از رهبران چین که  
معموم برانقلاب فرهنگی را کنار بگذارند و سیاست های  
رادیکال سالهای آخر عصر مائو را لغو و سیاستهای اصلاحی  
جدید را جانشین آنها کنند گردید. در اوایل سال ۱۹۷۸  
هوا کوانگنگ برنامه چاه طلبانه ای را تحت عنوان «دهزار اصل  
نوسازی» به اجرا گذاشت و این طرح عموماً، به گونه ای غرضانی  
بیانیه خواستار یک گام اقتصادی جدید به پیش شده بود.  
فرهنگی این طرح بیش از آنکه مشکلی را حل کند مشکلات  
تازه ای ایجاد کرد و در اواخر همین سال چینی ها شروع به رها  
کردن این برنامه کردند.

نقطه عطف درازخالی یک مسیر جدید به سمت اصلاح

اساسی نظام سیاسی و اقتصادی بین در سال پایان ۱۹۷۸ پدیدار شد. در یک گروه آبی تاریخی کمیته مرکزی حزب دنگ زیاوتینگ خواستار تغییرات اساسی در خط مشی ها شد.

اگرچه هواکوئنگ تا مدتی همچنان در سمت رئیس کمیته رژیم پانگ ماند ولی دنگنه در آزمایش قدرتی بود رهبری سیاسی او در سمت دیگر دنگ که از اواسط سال های دهه ۱۹۵۰ با انقلاب فرهنگی دیرکل حزب بود یکی از دو عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی حزب کمونیست چین قبل از انقلاب فرهنگی بود که هنوز در قید حیات بودند (تقریباً ۷۰ ساله بود).

دک جنرالی رهبران دیگر مانند لئوئی پوئی درین لای وقت بدون نقش اساسی در درسه تلاش برای سوق دادن چین به یک مسیر دیرگامی پستی (در دوره دنگنه ۱۹۵۶-۱۹۶۲، ۱۹۶۲-۱۹۷۵) بوده داشته. پارگامیسیم داعی بود برپیشانی دنگ زیاوتینگ و عده ای بود که باپیکارهای چین در دوره انقلاب فرهنگی علیه وی مطرح و باخطر اینکه گفته بود مهم این است که گروه به پیش میگرد. سیاه با سفید بودن مهم نیست مهم نقش می گرفت.

د دنگنه که دوبار توسط مائو تصفیه شده بود درسال ۱۹۷۷ مجدداً اعاده حیثیت شد. درسال ۱۹۷۸ دنگنه یک مبارزه تبلیغاتی وسیع را برای رها کردن دکم های اندامدولتیک باقی گذاشت. او در عمر کم سن خود - تقریباً زمانی زاری بود - در حاکمیت تهاکک طبقات استبداد وهریسان واقعیتها و در نیال طبقات بگزیخته.

تا پایان همان سال وی حزب را وادار کرد که اولویت درجه اول او بجای مبارزه طبقاتی نبوده توسعه اقتصادی باشد. دستبند به نیوای خارج طبقاتی درهاری بازی در پیش کرد و آن به بعد، اگرچه چنسلر طرف کشید تا دنگنه قدرت خود را بطور کامل تقویت کند ولی سرانجام بطور مظهر و آرام بود که دستبند است و دربرجا مطلقان قرار داد. موقعیت های رهبری کنار گذاشته. عده ای دیگر را به موقعیت بطرف راند و انتقالاتی که حاکمی اصلاحات اساسی بود گسترش داد در دوازدهمین کنفرانس حزب که در سپتامبر ۱۹۸۲ تشکیل گردید. دنگنه قدرت کامل را در دست داشت.

در حالیکه رهبری عالی کشور عده ای از تقادیم بعضی سیاستهای دنگ را در بر می گرفت و هنوز ضربه ای نمی کرد. ولی تا سال ۱۹۸۲ اکثر رهبری، جهت کلی اصلاحات دنگنه را تأیید و از آن حمایت کرد اختلاف نظرها مربوط به لزوم یا عدم لزوم اصلاحات نبود بلکه مربوط به این بود که نظام های اقتصادی و سیاسی چین با چه سرعت و تا چه حدی باید تغییر کند.



مسائلی که رهبران اصلاح طلب چین به پیچیدگی پذیرفت رسیدن مجدد دنگ با وی رودر پیوندش فوق العاده بزرگ بود پس از یک دهه کشیک شدید چون هنوز دو رهبر دیگر بحران سیاسی حاد بود. بعد از دو دهه آزادی خود استراتژی توسعه کماشلا متفاوت - یعنی مدل دروسی اقتصاد متمرکز برآمده ریزی شد و مدل وسیع انقلابی مائو - چین با مسائل و مشکلات اقتصادی حاد رو برو بود.

پس هنوز از رو پانسی سیستم سیاسی سابق انقلاب فرهنگی یعنی زمانی که رهبری برادر دگروری جناح های داخلی حزب تانزوان شده. تعدادی رژیم خلق و نظام اجسادی مزارول گردیده بود. قمارتاز نکرده بود. انقلاب جدید کمونیست رومعه خود را از دست داده بودند. گروه های بیشتر مردم چین با اصلاحات سیاسی عمومی خشک و در پی آخرین دور دنگنه که با وجود امداد بودند. کادش سطح زندگی آنها را خشک کرده بود نسبت به رهبری حزب و اپنولوژی آن بی

استعداد شده بودند. اکثریت مردم چین پس از هر چیز شایسته آرمان و ثبات و یک زندگی بهتر بودند. واضح بود که بحران اعتماد کشور را فرا گرفته است.

شاید مسائل مزمن اقتصادی که دنگنه و طرفدارانش با آن روبرو بودند مشکل مشهود بود ولی هرچال باید با سرعت به آن رسیدگی می شد. این بارچهارا نتیجه روندهای بود که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و به مرور زمان بروجمات آن افزوده شده بود. علیرغم پیشرفت های اقتصادی چین در زمان مائو که شامل رشد اقتصادی نسبتاً سریع (اگرچه همراه با اشتیاقات بیشتر) ایجاد یک زیر بنای صنعتی بود و توزیع نسبی عادلانه محسوس می شد. باز هم سطح زندگی مردم بسیار پایین بود و بی کفایتی سیستم اقتصادی برای اکثریت رهبران چین واضح بود.

سیاسی از این رهبران معتقد بودند که بدون اصلاحات عمیق. یعنی تروان امداد رشد اقتصادی و رفاهتسیر کردن این رهبران معیشتی در پناه رفاه بودند که حتی در صورت دست یابی به رشد توسعه چین از بسیاری از کشور همسایه اش را آسپای شرقی پیش می ماند بود. سیستم اقتصادی که رهبران چین در پی مائو به ارت برده بودند پیش از حد متمرکز و بیش از حد بوروکراتیک بود. این سیستم بطور فوق تصوری بی کفایت و دارای ضایعات بود.

در ادامه. رشد در شرق سرمایه دمدری منی معیشتی حاصل شده بود که باعث جلوگیری افزایش قابل توجه سطح زندگی مردم شده بود. اقتصاد از موارد عدم توازن. از شکی و کوفت ها رنج می برد. بخش اعظم تجهیزات سرمایه ای این کشور ساخته شده بود. به خصوص کتار و سرمایه های وارو به کاتش میروست. اگرچه معسرول کشورها در غرب یافته بودند اما از احتیاجات کشور طلب فناوری در غرب. کلیه کالاهای مصرفی کم بود و اکثر آنها که موجود بود. کیفیت پایین تر بود. از میان کشش قابل ملاحظه و اشتغال نامنظم حاکم مزمن یافته بود. در اثر انقلاب فرهنگی موسسات آموزشی و تبلیغاتی چین در وضع اقتصادی آزار یافته و پس از سهاات عتدالی ازرو. ادوم. تکنولوژی چین از کشورهای پیشرفته بسیار عقب مانده بود.

این مشکلات دنگنه و سایر رهبران اصلاح طلب متفکر او را متوجه ساخت که آنچه لازم است. تعدیل جزئی در سیاست های گذشته نیست بلکه اصلاحات اساسی منظم است.

برو پانسی سیستم سیاسی در دوران انقلاب فرهنگی ملاقات خود برادر تغییر را کشید داد و امکان در نظر گرفتن اصلاحات مائو و عمیق سیاسی و اقتصادی را فراهم ساخته بود.

با این حال درسال ۱۹۷۸ دنگنه و نه هیچ کس دیگری در چین برنامہ مشخصی برای اصلاحات اقتصادی و دگرگونی سیاسی انداخته. همچنان دنگ و همکاران نزدیکش تصور مشخصی درباره مسیری که چین باید در پیش گیرد نداشتند. درحقیقت اینان معصوم بودند قیود اپنولوژیکی قدیم که سخته و دگم های ماتریسمی و غیره را تلقی کند و با تفسیر جدید از مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائو امکان تجربه انشوری آزاد را فراهم کند. آنها احتیاج مردم به ثبات و نهادهای کردن نظام سیاسی و اینکه باید دستکشکهای اداری موجود را اصلاح نمود و آنها را با کارگران ترو کارآزمایان مجاز آسانید. بعضی درگ می کردند اصلاح طلبان که نسبت به لزوم تقویت مشروعیت رژیم و تقویت حیثیت مردم از رژیم. پس بودند متشخص می دانند که کامیاب شدن کنترل ها و اطعانی آزادی بیشتر سیاسی و فراهم کردن امکان مشارکت پیش مردم نیز ضروری است.

در زمینه امور اقتصادی هدف اولیه اصلاح طلبان ایجاد

نظام کار آمدتری بود که بتواند رشد اقتصادی مستمر و متعادل را تضمین کند ولی مرعین حال آنها دانستند که لزوم سطح زندگی مردم برای چین ارتقاء یافته و هم چنین قدرت ملی افزایش باید.

پس از طرد استراتژی های توسعه گذشته. آنها آرام آرام به تدوین استراتژی جدیدی موزارت ووزارت ایران از افکار برخاسته که دربراساس سیستم اقتصادی جدید سیستم موزارت ترنیم و انگیزه و به فعالیت ضرورت دارد آنها بازی (اعمال) برنامه ریزی مرکزی را تقلیل داد و روش های برنامه ریزی مستقیم را در روش برنامه ریزی غیر مستقیم تبدیل نمودند. در زمینه کشاورزی. آنها شروع به کنار گذاشتن کشاورزی اشتراکی کردند و درصاحب تصمیم گیری را غیر متمرکز نمود و آزادی عمل بیشتر به واحدهای اقتصادی دادند. جریان کلی این سیاست ها به ست بازاری کردن اقتصاد داخلی و تجاری کردن آن بود است. هم چنین از همان آغاز سیستم گرفته که چندین بار هرچه بیشتر در اقتصاد جهانی مشارکت کند اصلاح طلبان چین ضمن حرکت در این جهت های جدید قیاد قابل ملاحظه ای تجربه گرا و فعالیت یافته بود اند و در اجرای سبیل های جدید. هرمرجه اجزاء جدیدی این آزوده اند. آنها عده ای از کشورهای متحد اقتصادی کرده اند. از جمله از کشورهای مهم سرمایه داری. از کشورهای اروپای شرقی و از همسایگان خود در آسیای شرقی. همچنان هیچکس از این موارد جنبه سیستمی نداشته و درصاحب بیکران احساس می کنند تغییراتی داده سپس آن را نیزهای خوشامدگار می کنند. نسبت به این چنین ها خود نیز با ادعایات آزادی زده اند و در زمینه سیاستهای منطقه ای درحال تکرین است. دارای خصوصیات مشخص برای است راهبردی کمونیستی چینی را در بر گرفته اند. و خبرهای بسیاری بود است. سعی در حل کردن چنین مسائل موزج بود مسائل تازه. در فرهنگ درجهت اصلاح نسبی. قدم گیری را ایجاد کرده و در مواردی با خشک و با موانع جدی - اگرچه منفی - روبرو شده اند. اما فرآیند اصلاح همچنان ادامه یافته است.

اگرچه هنوز نیاموزان با اطمینان گفت که سیستم های سیاسی و اقتصادی چین پس از آنکه دوره اصلاحات دنگنه به پایان رسیده. به چه شکل خواهد بود. همچنان تردید نیست که اقدامات اصلاحی تا همچنان از جهت همی شروع به دگرگونی کردن چهره چین نبوده اند. استوار اساسی این است که این دگرگونی. خصوصاً پس از آنکه دنگنه از صحنه کنار برود تا کجا خواهد رفت.

اگرچه هدف عالی و برتر رهبران یکن. نوسازی اقتصادی بود اما آنها می دانستند که برای اصلاح وضع چین باید با تغییرات سیاسی شروع کنند. آنها همچنین فرایند اصلاحات سیاسی و اقتصادی به گونه ای اجتناب ناپذیر با یکدیگر پیوند دارند. بنابراین او نامه خود ۱۹۷۸ دگرگونی های سیاسی در ارتباط با مائو به پیشرفته اند. هرچند که معسر و سرعت آنها عینا یکی نبود است.

این امر اساسی در چین در ایجاد اصلاحات سیاسی در بعضی جهات تلقی حسان داشته. ولی برابرت از اهداف اصلاحات اقتصادی آنها کم پیش تر بوده است. بدین معنی که پاره ای اصلاحات سیاسی. پس از نوسازی اقتصادی در نظر گرفته شده اند. خودی یا نقشه دارای اولویت بودند. بعضی اصلاحات سیاسی که حدودی که نظارن مازگی می باشدند. شاید حتی از آنچه که پیش رهبران اصلاح طلب چین مطلوب می دانستند فراتر رفته است. نکته اساسی در کل این دگرگونی سیاسی. کاهش نقش اپنولوژی در دست. دنگنه و هوا داران نزدیک وی.

مقاوم مائونیستی انقلاب بی وقفه و مبارزه طبقاتی را کار گذاشته است اگرچه نگاه مائونیستی بورژوازی و سایر گرایش های ناسیاله را تاسخ می کند و اصرار دارد که پای پنجاه سال استونی (۱۰ - ۱۱) گارکسیم شلینس - ایدیه مائو ۱۰۰ مائونیستی و انقلابی را در راه مائونیستی ۲۰ و ۳۰ هری بر می حسند یا اینکه بطور کلی به اصل اول نوزده آنان تغییر یافته است. اصل اول سرزمین صحرای اصلاح مائو که حاوی حاضر ایدئولوژی گرایش تجربه گری در رهبران اصلاح طلب را کثیر محدود میکند بسیاری از چینی ها هم اکنون بی چنان ایدئولوژیک هستند. سرزمین اصلاح طلب مستعد معرزه و افریش نوعی تمدن معنوی جدید می که در چین پدید می آید و واقع گرائی و پراگماتیسم. این امر سیاست گذاری های جدید مائو دیگر را گرفته است. این روند تاریخی خلاه ایدئولوژیک در چین ایجاد کرده است که به بعضی از چینی ها و نیز عده ای از ناظران اینکه آزا یک بحسب باقی می ماندند یا بیارند یا این حال دربار آید که نزول ایدئولوژی پایه در صورت ایجاد مشکلات سیاسی می شود نباید مبالغه کرد تسک به مین پرستی و به اشتیاق هکتاری برای رنگ زنگی بهتر، چینیست و کم یونیسم ایدئولوژیکی منجمد. در چین و نیز در بقیه کشورهای آسیای شرقی که تجربه نوآساری را از سر می گذرانند. می شود اصلاح طبایع چینی در مسیر جدید افکار مائو متکی تاریخی وی را مورد ارزیابی مجدد کرده است و برای این کار سعی کرده اند مابیت بررسی سیاسی را از مائو سیاسی این کشور از تو تعریف کند.

تجزیه رسمی حزب کمونیست چین در پارم مائو که پس از بحث های شدید فرورد ۱۹۸۱ طی قطعنامهی تحت تدابیر مسالمت جاسوسی در مورد تاریخ حزب مائو از زمان بنیانگذاری جمهوری خلق چین عنوان شد نسبت به بسیاری از ناظران خارجی است و این نظر این است که وی در مورد نقش انقلابی و مائو از یک رئیس بود نظامی خاک راوری رسمی که از سال های آخر دهه ۱۹۵۰ مرگ ایدئولوژیست مکرر و سیاسی پرزینده شد و روشی در شکرت که امروزه چینی ها آزا شکلی عقده ای در این کشور فرعی می نامند یکی از اهداف عمده رهبران فعلی چین امضاء هرگونه کسب شخصیت رهبران کشور است تا جنابعالی رهبری چینی تا سرحد امکان تثبیت شود و تا ظهور مجدد حکومت فرعی خودکامه پلگوری شود.

فردت و اختیارات عمدا بین ناهعا و رهوان عالیتره می باشد چنان شد است و دیگر قدرت بر مرزبیه مقدس و معروض حزب متمرکز نیست. در طبایع پست هرزات حزبه در سال ۱۹۸۲ لغو گردید و رئیس اسبق در حال حاضر ایدئولوژیست است که از نفوذ تقریبی برخوردار است.

ایده یونورت با پراگماتیسم بیشتر پس فدر سیاسی حزب و کمیته یائسی این برهنگانه و شورایی دولتی (کمیته دولتی) و شخصیت های متعدد دیگر که در اسان ناهعای صدر قرار دارند از قبیل رئیس کمیسیون نظامی مرکزی حزبه رئیس جمهوری، رئیس کمیته یائسی نگاره ملی خلق، و ریاض میوانان حزب که در یک کمیته یائسی مرکزی جدید گردآمده اند تقسیم شده است. پست ها که در جمیع نقاط پدیسمانند شده اند تقابل یافته و دوره زمانی بعضی از پست های عالی کوتاه شده است.

این تلاش رهبران کزب حزبی سعی در موقبت خواهد یافت؛ متنگه به عنوان رزنده حرف اولی از پست یرده به اصل قدرت ادامه داد است و این اقتدار هنر هم اساسا شخصیت است ولی سعی رهبری وی پکلی از دست مکتب منفارست است ولی نفوذ رهوان از طریق مصدر احکام و دستورال انعام نیکه نگه دارد از طریق ایجاد اتلاف های، سازمان در ایجاد ملی بعد وی در شرح به مابین نفوذی قدرت کرده است. اما سلسا ممکن است که در فرزندت

بازهم حکومت فرعی مجددا طغرد و این نوع رهبری، سنت چین بوده است که ریشه دران کثیر امپراتوری دارد این روند در دوران چیان کان یک و مائو نیز به صورت ادامه داد با این حال، مساسی فطری ایجاد رهبری جمعی و خاطره زیاد روحی مائو و فقدان انگیزه یک رهبر کارمیانیک در رهبری سیاسی ممکن است حاکی از این باشد که رهبری باصلل کلان اساسا جمعی باشد سخت گیری نسبت به رهبری شخصی فرعی از لاقال در سالیان آینده نزدیک به احتمال زیاد به فوت هوئیاتی خواهد ماند.

یک روند دیگر که بی شک مابیت تاریخی دارد نسبت عدم رهبری فراطیبه نظریات است از آن نوزدهم به بعد سیاست دربین نظریات شده است. اول سلسله مانجی عیاره بود پاسریورون قدرت های محلی نظامی پس از سقوط سلسله مذکور، کشور به مناطق که نیول کلان اوران نظامی بود تقسیم شد. از آن بعد نیز ارتشهای ۱۹۲۰ نارسار سال های ۱۹۲۰ میلادی به نوبت انقلابی نظامی یعنی ملیون و کمونیست ها و هم چنین مائو با مابینین خارجی، مشخصی که در نظامیان درازگی ملی حزب برزینه ای ایفا خواهد کرد پس در برابر ازبوردی حزب کمونیست چین و جنگ رزق و نیز فریب که به عرضه ای کوتاه نظامی چین و زلفه سیاسی آن را تقابل داد ولی این گوشش برای نیاید فرج و مرج اسان و درازگی که دستگهای ادارتی فراطیبه پس فلح شده بودند بارش برض بخش خلقه دران این سلسله خود مسالمتی را در همه جای جامعه بخود اختصاص داد. نوعی برای فراطیبهی کردن سیستم زمانی که هنوز مائو درین حال بود آغاز شد. خاشه بعد از کردانی تا فراموشی درجاریات این بیاتر فرسال ۱۹۷۱ (۱۰ و ۱۱) در واقع و مائو آورا اچاپیشش خود انتخاب کرده بود ولی در زمان مرگ مائو این آرایه تازو برضال آفرین خوبی به مرکز که با اولیایه زانیت را کسبیدون، برون گزینی و درنگ داشت از این بخش خلقه ایفاد می دهد. فرآیند قدرت فراطیبهی را بدیشف شد نسبت به اختیارات مذکور به میزان یک چهارم کاهش یافته و تعداد اعضای آن به ۴ میلیون کرد تقابل یافته است. نوزدهم این محدود شده و بسیاری از اعضای که در کنترل آن است تعداد نبدیل به سابع از این تعداد فراطیبهی است. فراموشان سین ان برتت بارهان برائوری لغوی می شوند و ارش از برای بخش خلق در فرزند نوآوری و تقابل به یک نیروی حزبی ای دفاع ملی ایست. وارزعه کمپار آنکه تقابل مائو سیاسی ان پشتد کاهش یافته است. فوجا حل فرزند سازمان های ملی رهبری در سالیانه کانی نظامی از زمین نگری، از سال ۱۹۷۲ به بعد کثیر بخش میخورند. در فوجا سیاسی حزب که در سال ۱۹۷۹ برگزیده شده است فقط دو فوجا، فوجا شامال فوجا دولتی نظریات و نظریات دیگر یکی از ایدل میانشا و غیر از فوجا دیگره دو برهه سیاسی - نظامی که هر فوجا یکی مستقلا حضور دارند از ارش از برای بخش خلق هنر هم که پیروی فرعی ابرجین منسوب می شود نوزدهم که اساسا محافله کتارست و با براین بر برابر می باشد.

اصلاح طبایع مقاومت میماند ولی چنانچه رهبری کنونی ادامه پیدا کند - که به نظر چنین می آید- بعد حکومت فرعی نظریات پیش از هر وقت دیگر در دوره معاصر در چین تثبیت خواهد شد و این نسیری با اهمیت بود اما عیب خواهد بود. این یکی از روندهای بنیانی است که شروع به تغییر مفاعت اصلاح سیاسی فرجین کرده است این نظریات همچنین امتداد اصلاحات مائو رهبری کنونی را در پیش می برد.

نگ بطور مستقیم تلالی کرده است ناهعا و روش های نظم و اجرای سیاست های رژیم را بهبود بخشند. در اوایل

عصر مائو اتخا تقصیم پیش از حد متمرکز شده بود و تسلیحات نظامی مهم گزرا توسط شخص مائو به تهنای و بدون تحلیلی دقیق مشکلات و بررسی دقیق گزینه های سیاسی، اتخا می شد. امروزه تصمیم گیری بزرگت منظم تر است. شروع موقبت به دقت در داخل و در خارج سازمان دولتی در حوضت قرار میگیرد و گاهی فواید اتخا مائو بطور وسیعی امیده (یعنی اوقات بوسیه رهبران سیاسی در سخنرانی های عمومی و بیشتر توسط مطلقن و روزنامه نگاران در نوشته هایشان) رهبری عالی کشور یک از مشخصین متعددی اظهار نظر و اشتراکات حزبی و تصمیم گیری میشود این رهبری، متکورا روتد مبارزه بلیاتی به شکشفه عصر مائو و مبتنی بر مخرجی دوره ای بسج نوزده ای سراسری بود و از کار گذاشته و در عرض سعی دارد سیاست های خود را از مجاری دستگهای ادارتی و روشهای تثبیت شده خود آزا نماید.

این امر اصلاح ادارتی را ضروری کرده است. اصلاح طبایع چینی اهدافمان زبانی برای پلگوری از سوبانفادگان مابورین ادارتی انجام داده اند و سعی وارد داشته اند که کلیات دیوان سالاری را از طریق هفتده نسوی که در برابر دروازه های رهبری و مردم بطور کلی بیشتر پراگماتیست و یکی از مساسی رهبری جدید کم کردن مابیت سیستم حزب در حوزه های تخصصی و جدا ساختن فعالیت های سازمانی و ایدئولوژیکی فعالیت های در کارهای تخصصی مریض به حدایت و دراز مدت اقتصادی و دیگر ناهعای غیر حزبی است. به این حال حزب کمونیست هنوز هم متکی اصلی اتخا فراطیبهی مائو است و متراکز فراطیبهی و تسین و نیز نظارت بر اجرای سیاست های مهم می دهد. مهم ۲۲ میلیون عضو (شامل ۹ میلیون کادر) هنوز تقریباً یک پست های عالی سازمانی را در اختیار دارند.

مهاجرت کثیر اعضای غیر متخصص حزب تقابل یافته و در مقابل نفش مشخصین و مدیران حزبی، از هر نوع فراطیبهی پیدا کرده است. هر چه اکثریت در رهبر خصصا آنهاست که پست های حاسی را اشغال کرده اند. غیر متخصص هستند. مسیایی به موقبت بطور فزاینده ای دانش بیشتر تخصصی مربوط شده است. به میارهای قابل سخت گیری در امور ایدئولوژیک و سیاسی، برای بسیاری از چینی ها که در حال حاضر اهداف شخصی شان پیشتر حزبی و با موقبت یافته است، متشلف و پست های حزبی چنانچه بیشتر کمتری از گذشته دارد اگرچه بعد معنوی از این جهت، حکومت حزبی را در مورد تقابل فرام می دهند. با این حدیث و نفوذ حزب اشکارا تقابل یافته است.

●●●

بظنود اصلاح بردورگاری حزبی و دولتی مگ و هواراداران در اوایل سال ۱۹۸۸ اقدام عده ای را در زمینه تسیر سازمان اصلاح روابط و انتصاب افراد جدید در کمیته رهبری آن آغاز کردند در سال ۱۹۸۲ حدود ۸۰۰۰ نفر به جهت دراز ای در نظر اعلام کرد که تعداد وزرات ها، خانه، کمپوزها و اتخا های که مستقیماً از برای زیات دولت هستند در ۹۸ به ۵۲ تقابل خواهد یافت. مثلا چهارگان مرتبه با دروازه اقتصادی خارج کمیسیونهای ارتکاب و ادارات - سرمایه گذاری خارجی و وزارت خانه های تجارت خارجی و روابط اقتصادی با کشورهای بیگانه - در کنار بنیاد وزارت روابط اقتصادی و تجارت خارجی اقدام شدند. اقدام مشابه دیگری هم میان ارتگان های سطح بالا، انجام گرفت.

مجبورن تلالی های جدی در تقابل اندازه ادارت و مابیم کابلیتی و مواز متشکل ترسانی ادارتی و بوروکراسی فوجا کلیات این است که متشکلان تمام گردد. در این اهداف اصلاحی این است که مشربلیات های موسسات زندهای مختلف



را ساخته و پرداخته است. از اوایل دهه ۱۹۸۰ هویت پانگ (که در سال ۱۹۸۵ به ۷۰ سالگی وارد شد) و زائو زینگ (که چهار سال از عمره جوان تر است) بعنوان چاشنی های پلاصل دهنده گفاده شده اند.

اغیرا با همکاری اینها تنگه رده سوم را هم به ثمر رسانده است. سارگنگ متصادم این گروه چهارتنه که سه نفر آنها در سنین ۵۰ سالگی و یک نفر آنها کمی بیش از ۶۰ سال دارد. از این چهارتنه دوتن به اساسی هوولکی و کاتونسی بیشتر در دستگاه حزب شاغل بوده اند و دو نفر دیگر یعنی لی پنگ و نیان چون در سمت معاونان نخست وزیر ارتقاء یافته اند. همه آنها در سال ۱۹۸۵ به عضویت دفتر سیاسی حزب برگزیده شدند. در چین انتظار می رود که افرادی از این گروه مالا چاشنی پانگ و زائو زینگ بعنوان رهبران حزب و دولت خواهند بود.

بعضی نظران امکان دیگری را مطرح می کنند. دستگاه رهبری عالی چین هنوز هم دارای چند عضو از سنین ۳۰ سالگی خود دهنده می باشد که از وی محافظت و محافظت کارتر هستند یا نوظهور اینها هنوز پخته است که رهبری درستی را بر عهده می دهند. مشغول به شرح می باشد. وزیر راهی ۱۹۵۰ متخص عالی رتبه اقتصاد چین محسوب می شد است. شتره که بعضی می گویند این را یک متصالح محافظه لیب داشتا چندینانی از سیاست های جاری را مورد انتقاد قرار داده و برتیزا بیشتر به برنامه ریزی و ثبات تاکید کرده است.

بزرگانان طی زیباتنه که او هم در سال های اول دهه ششم رهبر است از اصلاح لیبیلین بر حراتر تر یکین، معیاضه کابرت تر و حتی پیش از شتره بر اهمیت برنامه ریزی امیرار اردت پنگ نیز زن که حدود ۵۵ ساله دارد. رئیس کمیته پانسی شواری ملی خلق می باشد. مسئولیت رفیس وی نظارت بر قربانی و نظم عمومی است. وی نیز مسکن است حدود ۴۰ سالگی امیر را زیر سوال برد.

بعضی معتقدند که اگر هر یک از این افراد بعد از فوت دهنده زنده بماند و بتواند اقتدار خود را - شاید از طریق افراد جوان تحت الصباهی - احیال کند، در صورت برنامه اصلاحات ممکن است بطور قابل توجهی تغییر کند. و یا که شود ولی این امر محتمل به نظر نمی رسد زیرا هر سه نفر مازکور سن هشتاد و چند سالگی از اعتبار و حیثیت زیاد برخوردارند بعد است بتوانند کنترل امور را بدست گیرند و سیاست ها را دگرگون سازند، خصوصاً با توجه به این که دهنده توارسته است ائتلاف حامی سیاست جاری را پدید آورده باشد.

لیته ام چاشنیی ناتا غیرقابل پیش بینی است و هیچ دلیل قطعی و حتمی درجه ندره که افرادی که دهنده گفاده شده با او پس از مرگ با بازتنگینی وی، بقدرت را حفظ کند و با اساس رهبران با کلیتی باشد و یا بتواند اقتدار امیر را بین خود برساند. از زمانیکه جنبه حجت اعتماد، کفرن اولی توچه چید پیرفت کرد است موهبی مشهوره می گردد که قدرت از طریق روش های پانسی پذیرفته شده، با نظم و آراش انتقال باشد. آنچه می توان گفت این است که تاکنون کمتره یوشاید بعضی رهبری تقریباً موفق بافت و نظم و یک دهنده برنامه ریزی کرده است. چنین کند و در حال حاضر چشم انداز چاشنیی نسبتاً آرام و بی دلنهایی که حاکم فرست را برای ادامه سیاست های فعلی فراهم کند. نسبتاً خوب است.

(ادامه دارد)

فرسال ۱۹۸۸ رهبران ارشد به واحدهای حزبی دستور دادند که هر یک قرار تر را به عنوان رهبران باقی بماند برای ارتقاء به سمت های جدید در مرکز و در سطح ایالات. سی هزارتن برای امتز استعفا ریاست متفکده و یکصد هزارتن را هم برای امر از پست ها در بخش ها، انتخاب کند متوسط سن وزاری مرکزی و معاونین آنها از حدود ۶۵ سال به کمتر از ۶۰ سال تقلیل یافته است. و متوسط سن مقامات ایالتی نیز به حدود ۵۵ سال تقلیل یافته است. ارتش آزادی بخش خلق نیز شاهد تغییرات مشابه پرسلی بوده است. این تغییرات پرسلی نه تنها موجب تقلیل عناصر بی تخصص پروروات شده بلکه یک گروه نخبگان تکنیکرات، از جمله تعداد بسیاری افراد که دارای مهارت های لازم برای هدایت چین به تپای جدید می باشد و معوزاز اقدامات اصلاحی رژیم حیات می کنند، ایجاد کرده است.

تغیر افراد در عالی ترین ستهای رهبر در یکن نیز چشمگیر است. از این عمل بدون شک به نفعی برای لازم برای ادامه ایالات و ثنوت کرده است. شخصیت های عهدانی که در مراحل اولیه جایگزین شدند مهارت بودند از هویت پانگ پهای هواگوگف در سمت رفیس حزب وانتصاب نامزدانان بجای معاره در سمت نخست وزیر (در معوره ۱۹۸۲-۱۹۸۸) از ۲۸ اشخاص اصلی و علی الیقل کمیته مرکزی که در سال ۱۹۸۲ در دوازدهمین کنگره حزب انتخاب شدند. ۲۰ نفر یعنی سه پنجم آنها اشخاص جدید بودند و چند عضو سابق در ده دفتر جدید نیز جای خود را دادند. ۷ عضو فزوداند دفتر سیاسی ماری ۲۰ عضو ثابت و ۲ عضو علی الامان است. در یک کنفرانس ویژه حزبی که در سپتامبر ۱۹۸۵ تشکیل شد ۹۹ عضو جدید جای ۹۵ رهبر قبلی را در کمیته مرکزی اشغال کردند و ۶ رهبر جوان چاشنیی ۱۰ عضو با سابقه که نویت برایشان از دفتر سیاسی فرا رسیده بود گزیده شدند. متوسط سن اشخاص اصلی و علی الیقل کمیته مرکزی ۵۱ سال است. از سه چهارم آنها سهرولاد، دانشگاهی بارند، ۶ عضو جدید در دفتر سیاسی نیز ۳ تا آنها در سنین ۵۰ و ۳ تا دیگر در سنین ۶۰ سالگی هستند. از ده عضو دفتر سیاسی که جایگزین کردند ۴ نفر در سنین ۸۰ سالگی، ۲ نفر در سنین ۷۰ سالگی و دو نفر در سنین ۶۰ سالگی آفر ۶۰ سالگی عمر خود بودند. نسبت به امر بازتنگینی نسبت قید بر هر مرحله مقاومت و صوره داده است ولی جریان کار بسیار منظم و مسالمت آمیز بوده است. یکی تقیح بازتنگینان، رژیم با اکثر آنها با احترام رفتار کرده و اجازه داده است از حقوق و مزایای سابق خود برخوردار باشند و تعداد زیادی از آنها را به سمت های انتظامی مشاوره ای منصوب کرده است.

از قابل توجه ترین اقدامات دهنده گفاده می مربوط به برنامه ریزی برای تعیین رهبری جدید می باشد. این بوده است که در وقت فراوان نه تنها رهبران رده دوم بلکه پانگ گروه در سوم رهبری اول را نیز با کمال دقت انتخاب و آنها را قابل توجه ترین اقدامات دهنده گفاده می مربوط به برنامه ریزی برای تعیین رهبری جدید می باشد. این بوده است که در وقت فراوان نه تنها رهبران رده دوم بلکه پانگ گروه در سوم رهبری اول را نیز با کمال دقت انتخاب و آنها

زمانی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ رهبران اصلاح طلب به قدرت رسیدند چین هنوز از آشکنی دوران انقلاب فرهنگی، قدرات نکرده بود.

مشخص شده و این مؤسسات پیش از گذشته پاسخگوی مراجعات بودند. ولی میزان تاثیر این اصلاحات خاص قابل بحث است. چین پرورگراسی را اختراع کرد که پرورگراسی معانی متلی این واژه، در این کشور مشکل با ریشه های بسیار عمیق است. سلسله مراتب پرورگراسی های چین هنوز هم طویلی می کفایت و نسبتاً انتخاف ناپذیر میباشد. ولی در مقایسه با ایام قبل از اصلاحات بهتر شده است. ثنابیات مربوط روابط قدرت بین دستگاه های اداری در این سیاست عدم تمرکز و کاسن و کنترل، مستغرق تغییرات زیادی شده است. بخش زیادی از اقتدار سیاسی و اقتصادی - به پانن تسری پیدا کرده و موجب تقویت دولتهای محلی و مؤسسات اقتصادی، به ضرور سازمانهای مرکزی، شده است. مؤسسات دولتی (در برابر دستگاه حزبی) اهمیت زیادی پیدا کرده و مؤسسات متفرق فعالیت های اقتصادی نفوذ بیشتری یافته اند.

سیک رهبری دهنده گفاده شده، وی از طریق دستورالعمل تفوذ نمی کند. بلکه از طریق ایجاد ائتلاف هایی این کار را انجام می دهد.

ولی بدترین تغییراتی که بر دستگاه های اداری چین موز بوده، نتیجه کار پستل، سیاست های پستل، چه بوده است. اصلاح طلبان چین با سرقت قابل توجه نسل مدیریت را در کلیه سطح تغییر داده اند و برای ارتقاء رهبران آینده معیارهای حرفه ای جدید تعیین کرده اند. برای سمت های مختلف در رده های مختلف تحصیلی قائل شده است. کمیسیون مراتب بازتنگینی به ضرور اخذ شده است. هدف ارتقاء رهبران جوان تر با آموزش بیشتر و تخصص بالاتر در سراسر دستگاه های اداری کشور بود. و در واقع حاصله فرست العالمه اداری است. کمتر رژیمس توارسته است - به حفظ استقرار - به چنین جاهتالی طبیعی از کارکنان خود در چنان مدت گزینایی، اقدام کند. پیش از یک میلیون تن از رهبران ارشدی که قبل از سال ۱۹۱۹ استخدام شده بودند بازتنگین شده و ۲۴ درصد از تعداد، معده در سطح ایالتی و معوه معترضه از ایالتی در پستهای ریاست بوده اند. هر ضده شد.